

مطالعه تطبیقی تقابل خطر در حقوق و جامعه‌شناسی در ایران

سمیه تفقدی زارع^۱

محمد صادقی^{*۲}

علیرضا مظلوم رهنی^۳

چکیده

از آغاز آفرینش و ایجاد اجتماعات بشری تا به امروز، خطرات بسیاری زندگی افراد را در معرض تهدید قرار داده است. برخی از این خطرات، چنان تأثیر اقتصادی به جا می‌گذارد و سطح معاش را به پایین‌ترین حد خود می‌کشانند که سبب می‌شود دولت‌ها در برابر قربانیان، احساس مسئولیت کرده و تلاش خود را در جهت مدیریت این خطرات، ساماندهی کنند. اعلام چنین مسئولیتی از سوی دولت‌ها و ایجاد بیمه‌های اجتماعی سبب می‌شود این‌گونه خطرهای اجتماعی به خود گیرد. اگرچه مصادیق خطرهای اجتماعی که می‌توان آن‌ها را در سه دسته خطرهای ناشی از زندگی حرفه‌ای، خطرهای جسمانی و خطرهای برآمده از تشکیل خانواده قرار داد، در بسیاری از نظام‌های حقوقی شناسایی شده‌اند اما مفهوم خطر اجتماعی همچنان مهجور مانده است. پذیرش تقابل خطر این ایده را مطرح می‌کند که هرگاه شخص به طور ضمنی یا صریح، خطر آسیب وارده از جانب دیگری را بپذیرد، به علت زیان وارده نمی‌تواند از فاعل زیان مطالبه خسارت کند. تقابل خطر یک عمل حقوقی یک جانبه است که بر قابلیت انتساب تقصیر به خواننده اثر می‌گذارد و رافع تقصیر یا مانع ضمان است. در حقوق ایران نظریه تقابل خطر پذیرفته نشده است ولی در اجتماع این نظریه بسیار کاربرد دارد.

واژگان کلیدی: تقابل خطر، حقوق، جامعه‌شناسی، تامین اجتماعی

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

^۲ استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران و استادیار، گروه حقوق، دانشگاه هرمزگان، بندر عباس، ایران (نویسنده مسئول).

mrs4272@yahoo.com

^۳ استادیار، گروه حقوق خصوصی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران و استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد شهر قدس، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران

مقدمه

خطرات معمول به معنای محدودیت‌های زندگی اجتماعی بسته به شرایط مختلف بوده که از ذات زندگی قابل انفکاک نیست. اگر این خطرات ضرری برای انسان بیافریند. بنابراین باید دانست که رویکرد نظام مسئولیت به قابلیت جبران آن، باید همانند سایر خطرات باشد یا خیر، و تأثیر آن در تحقق مسئولیت، چگونه است. این گونه زیان‌ها را می‌توان خسارات مشروع دانست که کالا یا جزئاً مورد ضمان قرار نمی‌گیرد. اما به نظر می‌رسد گاهی زندگی انسان مستلزم خطراتی عادی است و ضررهایی می‌آفریند که زیان به معنای حقیقی و حقوقی هم محسوب می‌شوند با این حال تنها به دلیل خطر عادی زندگی اجتماعی بودن، الزام به جبران آنها منطقی نیست (صفائی، رحیمی، ۱۳۹۷: ۶۵).

این زیان‌ها را هم می‌توان از مصادیق خسارات مشروع (و طبعاً و تبعاً غیرقابل جبران) دانست. عدم جبران زیان فقط به این دلیل که از خطرات معمولی زندگی است در حقوق ایران دیدگاهی شناخته شده نیست؛ اما چنانچه این زیان‌ها از خسارات مشروع تلقی شود، توجیه عدم مسئولیت در مورد آن با دیدگاه‌های حقوقدانان سازگار است. با طرح این ایده، هنگام تعیین مسئولیت عامل زیان افق تازه‌ای در پیشگاه حقوقدان و دادرس گشوده می‌شود که به او در تشخیص درست موضوع یاری می‌رساند و موجب طرح پرسش‌هایی نو در فلسفه، مبانی و ارکان مسئولیت می‌گردد که باید آن را با توجه به مفهوم نظریه تقابل خطر مورد بررسی قرار داد. این نظریه توسط جورج فلچر ارایه شده است، او ایجاد خطر برای دیگران را در صورتی منصفانه می‌داند که آنان که در معرض خطر قرار گرفته‌اند با همان میزان و نوع بتوانند برای دیگری خطر ایجاد نمایند. بر مبنای این نظریه چنانچه خطراتی که دو یا چند نفر از اعضای گروه یا جامعه برای هم دارند از لحاظ نوع و میزان متقابل باشد مسئولیت مبتنی بر تقصیر است، اما چنانچه از لحاظ نوع و میزان غیر متقابل باشد مسئولیت مدنی مبتنی بر اثبات تقصیر نیست. اما در خصوص خطرات غیر معمول این چنین نبوده، زیرا در خصوص خطراتی که افراد در معرض آن قرار گرفته‌اند امکان ایجاد خطراتی با همان نوع و میزان برای ایجاد کننده خطر وجود ندارد. بنابراین انصاف ایجاب می‌کند که خسارات آنها جبران شده و باعث ایجاد عدالت گردد (فیچر، ۱۹۸۹: ۸۵). همچنین در صورتی که خطرات معقول باشند جبران خسارات بعدی لازم نیست زیرا آنان که در معرض خطر قرار گرفته‌اند می‌توانند همان نوع و همان میزان خطر را ایجاد نمایند و این خود نوعی جبران خسارت است. روشن است که به چنین ترتیبی همه اعضا موافقت دارند. اعمال مسئولیت مدنی در خصوص خطرات معقول و متقابل که افراد برای هم دارند، برای توزیع منافع و هزینه‌های خطرات منصفانه نیست زیرا تنها خطری را جایگزین خطری دیگر می‌کنند (مسئولیت را جایگزین خطر تحمل خسارت می‌کند) (روز، ۲۰۰۶: ۷۸).

اظهارات حقوقدانان در شرح نظریه تقابل خطر نشان می‌دهد به مبنا و مفهوم خطرات معمول توجه داشته‌اند: با اعمال نظریه تقابل خطر، مسئولیت ناشی از تقصیر در مواردی اعمال می‌شود که اعضای گروه یا جامعه همه به یک اندازه برای هم خطر متقابل ایجاد کنند. در چنین شرایطی که خطر اعضا برای هم، متقابل است، خطر ناشی از تقصیر یکی از اعضا خطری غیرمتقابل محسوب می‌شود و مسئولیت مدنی مقصر را در پی دارد. زیرا خطر ناشی از تقصیر فراتر از سطح معمول و متعارف در یک گروه یا جامعه است و مورد پذیرش ضمنی قرار نگرفته، اما خطرهای معمولی و متقابل به طور ضمنی مورد پذیرش اعضاست.

مسئولیت اخلاقی

مسئولیت اخلاقی، مسئولیت برای آن گونه‌ای است که مطلوب طبع انسان و جامعه نبوده، اما در عین حال ضمانت اجرای قانونی و قضایی نیز ندارد. مثل تخلف از وعده حضور در مهمانی، نادیده گرفتن وعده یا انجام کارهای نیک و عدم مساعدت به نیازمندان، عدم راستگویی و صداقت و صفا و صمیمیت و ... (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۴۸).

علمای حقوق، تفاوت‌های زیادی میان این دو مسئولیت قائل شده‌اند. عمده‌ترین تمایز بین مسئولیت مدنی و مسئولیت اخلاقی در ضمانت اجرای قضایی است. اگر کسی مسئولیت مدنی داشته باشد، می‌توان وی را در دادگاه مورد تعقیب قرار داد و او را مکلف به استرداد عین و یا پرداخت خسارت نمود. در مسئولیت مدنی گفتار یا کردار شخص، باید به صورت فعل یا ترک فعل به

جایگاه ظهور برسد و آثار زیانبار داشته باشد تا قابلیت تعقیب در دادگاه پیدا کند، در حالی که در مسئولیت اخلاقی، انسان حتی برای ظن و گمان ناپسند خویش نیز ممکن است، مسئول باشد ... (همان: ۳۶).

در مسئولیت اخلاقی، بحث از تناسب خسارت و حتی پرداخت آن نیست، در حالی که در مسئولیت مدنی، جبران خسارت و استرداد عین یا بدل و منافع مطرح است. علاوه بر آن، در مسئولیت اخلاقی هیچکس مسئول اعمال دیگران نبوده، در حالی که در مسئولیت مدنی، تحت شرایط خاص، شخص مسئول اعمال دیگران نیز خواهد بود.

نظریه خطر ناشی از عمل نامتعارف

طرفداران این نظریه، چون حذف تقصیر و نادیده گرفتن اخلاق در مبنای مسئولیت مدنی را، ناموجه و غیر منطقی تلقی کردند، می خواستند نامتعارف بودن عمل را جایگزین تقصیر کرده و بدین طریق مسئولیت مبتنی بر خطر را به همین دلیل اعلام کردند: خطر و زیانی که فعالیت امری اخلاقی جلوه دهنده ای افراد برای دیگران ایجاد می کند فقط در صورتی که از منظر عرف، غیر عادی و نامتعارف تلقی شود، ایجاد مسئولیت می کند. بر همین اساس، عمل زیانبار را به دو دسته متعارف و غیر متعارف تقسیم نموده گفتند: عملی متعارف ولو به دیگران زیان برساند مسئولیتی به بار نمی آورد، ولی عمل غیرمتعارف مطلقاً مسئولیت ساز بوده و اعم از این که از روی عمد و مقصّرانه واقع شده باشد یا این که تقصیری در کار نباشد، ایجاد مسئولیت کرده و عامل زیان ملزم به جبران آن می باشد. در حقیقت براساس این نظریه زیان دیده باید دو چیز را اثبات کند، یکی ورود ضرر بر اثر عمل شخص مقابل و دیگری غیر متعارف بودن عمل عامل زیان را نیز باید اثبات کند (حکمت نیا، ۱۳۸۶: ۸۸).

بر این نظریه نیز انتقاد شده و گفته شده است که نظریه مزبور در عمل فرقی با نظریه تقصیر ندارد؛ زیرا برای بررسی این که آیا عمل زیانبار، نامتعارف بوده است یا خیر، باید عمل مزبور با رفتار یک فرد متعارف و محتاط سنجیده شود، این همان بررسی عنصر تقصیر است که آیا عمل زیانبار توأم با تقصیر بوده است یا خیر. دکتر کاتوزیان تلاش می نماید که بین عمل غیر متعارف و تقصیر تفاوت بگذارد و معتقد است که در تقصیر قضاوت با اخلاق است که آیا فرد از نظر اخلاقی مرتکب خطا شده یا خیر؟ در حالی که در فعل غیر متعارف کاری به خطا نداریم و ممکن است فرد، خطا کار هم نباشد ولی عرف، عمل او را غیرمتعارف تلقی نماید. واقعیت این است که این تعبیرات نمی تواند تفاوت آشکاری را نشان دهد. همان چیزی را که عرف غیر متعارف تلقی می کند، نیز می تواند معیار تقصیر باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۴۰).

نظریه تقابل خطر در جامعه شناسی

تقابل خطر اجتماعی به عنوان حادثه ای در آینده تلقی می شود که برحسب آن، روش تعهد به پرداخت، متغیر است. «مثلاً مقوله خطر بیماری به گونه ای گسترده در حقوق بیمه درمانی مربوط به رژیم کلی تأمین اجتماعی فرانسه توصیف شده است. از این معنا، حمایتی بسیار گسترده از اشخاصی که در محدوده این رژیم قرار می گیرند، حاصل می شود. در مقابل، ویژگی های حادثه تحت پوشش به طور دقیق در قراردادهای خصوصی بیمه بیماری معین می شود، به نحوی که تنها از خطرات مندرج در قرارداد، حمایت صورت می گیرد» (مرادزاده، ۱۳۹۰: ۱۷۲). به طور دقیق تر باید گفت در نظام بیمه های خصوصی، میزان حق بیمه اشخاص ذی نفع و خطرات مورد بیمه در بیمه نامه قید می شود و کمک بیمه، متناسب با حق بیمه پرداختی است و جبران خسارت نمی تواند از حدود بیمه نامه تجاوز کند در حالی که در نظام تأمین اجتماعی، کمک اعطایی از طرف سازمان تأمین اجتماعی هیچ تناسبی با حق بیمه پرداختی ندارد (وکیل و عسکری، ۱۳۸۳: ۹۱).

در فرهنگ وبستر^۱ (۱۹۸۱) واژه ریسک به معنی در معرض خطر قرار گرفتن است. فرهنگ انگلیسی اکسفورد، ریسک را به منزله از دست دادن، احتمال از دست دادن، آسیب، یا دیگر شرایط نامطلوب و ناخوشایند یا احتمال وارد شدن به چنین شرایطی تعریف می کند (به نقل از عسگری زاده و همکاران، ۱۳۹۶). فرهنگ لغت انگلیسی اکسفورد (۱۹۸۹) ریسک را شانس خطر، پیامدهای بد و خسارت تعریف کرده است. ریسک عدم اطمینان از ورود خسارت است. در یک تعریف آغازین ریسک به احتمال به وجود آمدن آسیب و صدمه از یک خطر گفته می شود. به شانس یا احتمال این که کسی از خطر آسیب ببیند یا اموالی دچار صدمه گردد، اطلاق می شود. رانندگی در جاده یا راه رفتن روی زمین روغنی، بلند کردن بار و احتمال آسیب دیدن ستون فقرات یا کار کردن روی یک داربست در ارتفاع، همگی ریسک محسوب می شوند. ریسک ترکیب یا تابعی از احتمال و پیامدهای ناشی از وقوع یک

^۱ . Webster

اتفاق مشخص است (حبیبی، ۱۳۹۱). مفهوم ریسک به منزله احتمال خطر و ارزیابی نتایج منفی حاکی از یک رویداد است (عسگری زاده و همکاران، ۱۳۹۶). ویلیام فاین^۱ ریسک را تابعی از احتمال وقوع خطر و پیامدهای ناشی از آن و میزان تماس با خطر می‌داند. برخی ریسک را همان خطر یا خطر احتمالی تصور می‌کنند. زیرا آن را احتمال وقوع حادثه ای غیر منتظره و احتمال رخ دادن ضرر یا فاجعه تعریف می‌کنند، چیزی که به منزله خطری بالقوه، احتمال وقوع دارد یا چیزی که احتمال رخ دادن ضرر یا فاجعه را دارد، اما نمی‌خواهید اتفاق بیفتد (راعی و سعیدی، ۱۳۹۶: ۴۴-۴۸).

از این منظر ریسک، خطری است بالقوه و خطر احتمالی که در صورت وقوع آسیب و صدمه می‌زند. این دیدگاه به تعبیر گیدنز (۱۹۹۹)، تفاوتی بین ریسک، خطر و اتفاق قائل نیست. به طوری که ریسک آمیزه ای از احتمال خطر، احتمال رخ دادن یک رویداد با عواقب بد و زیان بار، احتمال قرار گرفتن در معرض آسیب و شدت زیان و آسیبی است که می‌تواند اتفاق افتد. این دیدگاه، صرفاً از منظر عینی و فنی منهای ارزیابی‌ها، تحلیل‌ها و تفسیرهای اجتماعی به موضوع ریسک می‌نگرد. گویی ریسک پدیده ای تهی از ملاحظات و پویای‌های اجتماعی و فرهنگی است (بریکول، ۱۳۹۳: ۵-۶). گویی ریسک پدیده ای است منهای تعابیر، تفاسیر و ادراکات انسانی و منهای کنش کنشگران اجتماعی. ریسک صرفاً به معنی خطر یا خطر احتمالی نیست، بلکه به خطر احتمالی و بالقوه ای اشاره دارد که احتمال وقوعش در آینده مورد محاسبه قرار می‌گیرد (همان: ۵۵). ریسک مفهومی است که در دلش مفاهیم خطر^۲ (قدرت آسیب زدن) و خطر احتمالی^۳ (احتمال حادثه نامطلوب و آسیب زنده) نهفته است. اما ریسک بیش از این دو مفهوم است و آن محاسبه پذیری خطر (محاسبه پذیری قدرت آسیب زدن) و محاسبه پذیری خطر احتمالی (محاسبه پذیری احتمال وقوع حادثه نامطلوب) در آینده است. مفهوم ریسک در جامعه ای شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد که رو به سوی آینده دارد. جامعه ای فعال که مدام در تلاش است از گذشته فاصله بگیرد و آینده را قابل پیش بینی کرده و به تسخیر خود درآورد (همان: ۵۵).

مفهوم ریسک از آغاز شکل گیری با ظهور مفهوم بیمه همراه و عجین بوده است. بیمه نقطه اتکایی است که مردم با در نظر گرفتن آن ریسک را می‌پذیرند. اولین بیمه نامه های دریایی در قرن ۱۶ میلادی صادر شدند. اولین ریسک مربوط به فعالیت های خارج از کشور بریتانیا را شرکت لویدز^۴ در سال ۱۷۸۲ تضمین کرد (گیدنز، ۱۳۷۹: ۵۵-۵۴). رشد ارزیابی ریسک ها و برآورد خطرات اقتصادی، اجتماعی و صنعتی جهت کاهش و مهار آن ها از میانه قرن ۱۹ با محاسبه و اعمال بیمه های کشتی رانی و آتش سوزی، بیمه های زندگی و عمر، سرمایه گذاری، بانکداری، کسب و کار و تجارت شتاب بیشتری گرفت و در قرن ۲۰ در قالب صنعت بیمه فراگیر شد (زلیزر^۵، ۱۹۸۷: ۶۱۰-۵۹۱). از نیمه دوم قرن ۲۰ در دنیای غرب، دولت رفاه که نوعی نظام فراگیر بیمه است و سابقه شکل گیری آن به عصر ویکتوریایی بر می‌گردد، به عنوان نظام مدیریت ریسک شکل گرفت. دولت رفاه برای آن طراحی شد که افراد جامعه را در مقابل بیماری، معلولیت، از دست دادن شغل و پیری محافظت کند (گیدنز، ۱۳۹۵: ۵۷). شهروندان دولت های رفاه با اطمینان بالا به محاسبات و عملکرد ریسک های بیمه های اجتماعی و اقتصادی و همین طور استانداردهای فنی مربوط به ریسک های محیط زیستی می‌نگریستند. از ۳۰ الی ۴۰ سال پیش به این سو با وقوع حوادث غیر قابل پیش بینی مانند واقعه انفجار نیروگاه اتمی چرنوبیل (۱۹۸۶)، سونامی دریایی ناشی از زلزله ۹ ریشتری در ژاپن و وارد شدن آسیب جدی به راکتور نیروگاه اتمی فوکوشیما (۲۰۱۱)، بازگشت بیماری ابولا در افریقا (۲۰۱۴ و ۲۰۱۵)، آتش سوزی جنگل های آمازون و تخریب هزاران هکتار از تنفس گاه زمین در برزیل (۲۰۱۹)، پاندمی کرونا از اواخر سال ۲۰۱۹ به این سو و صدها حادثه غیر مترقبه دیگر در سراسر جهان، معنا و مفهوم ریسک ابعاد تازه تری به خود گرفت. ریسک هایی که تا پیش از این به عنوان عدم قطعیت های قابل شناخت و پیشگیری و قابل مهار به نظر می‌رسیدند، از چنگ محاسبه پذیری و کنترل بشر خارج شدند و به شکل فجایع جبران ناپذیر آشکار گردیدند. ریسک هایی که تا پیش از وقوع در حیطه ابهام، عدم قطعیت های ناشناخته و ناپایداری قرار داشتند (یک، ۱۳۹۷: ۱۴۶-۱۴۳).

1. Wiliam Fine

2. Danger

3. Hazard

4. Liods

5. Zelizer

بدین سان جامعه بشری وارد عصر ریسک ها و عدم قطعیت های ناشناخته و ناخواسته ای گردیده است که بسیاری از آن ها نه تنها با دانش فنی و مهندسی، قابل شناسایی، محاسبه و کنترل نیست، بلکه از دانش و فنون صنعتی نشأت می گیرند. ریسک های بشر ساخته ای که ریشه در قریب دویست سال روند رشد شتابان علم و تکنولوژی، تشدید توسعه صنعتی و دخالت افسار گسیخته بشر بر طبیعت و محیط طبیعی دارد. ریسک های برساختی که جای ریسک های محاسباتی^۱ را می گیرند و آکنده از عدم قطعیت های پنهان و نامرئی و غیر قابل پیش بینی هستند (توسلی و ودادهیر، ۱۳۸۷: ۲۸-۲۶؛ کمشال^۲، ۱۳۹۱: ۳۲). عدم قطعیت هایی که به وسیله رشد فن آوری و فعالیت های انسان ها برساخت می شوند و به محاسبه و کنترل در نمی آیند. برساخت کنندگان ریسک هایی که از نتایج عملکردشان و عاقبت فعالیت های شان، ادراک و فهم روشنی ندارند. ریسک هایی که از قوه شناخت و محاسبه آدمی می گریزند، دیگر عوارض جانبی و غیر قابل کنترل صنعتی شدن نیستند، بلکه به خصلت کانونی جامعه مدرن در آمده اند. جامعه ای که اولریش پک آن را جامعه ریسک (دنی، ۱۳۹۳: ۳۲) و گیدنز آن را مدرنیته متأخر (همان: ۴۰) نام نهاده اند. جامعه ای که هر چند غوطه ور در ریسک های تولید شده^۳ یا عدم قطعیت های تولید شده و خود ساخته است، اما ممکن است قادر باشد با بازاندیشی و ارزیابی مجدد و فعال، آن ها را به حیطه شناخت، آگاهی، بازآگاهی و ادراک و کنترل در آورد (پک، ۱۳۹۷: ۳۱۱). جامعه ای که بیش از هر چیز نیازمند فرهنگ بازاندیشی و خرد معطوف به ریسک در شیوه زندگی و گفتمان مخاطره است. به نظر پک، بشریت مدرن به نوسازی بازتابی با گذاشته است. نوسازی بازتابی که دو خصلت بازتابش انفعالی و بازتابش فعال را توأمان دارد (پک، ۱۳۹۵: ۴۴-۴۱).

در گفتمان ریسک و مدرنیته بازاندیشانه^۴، خرد محاسباتی علمی یکسره به کنار نهاده نمی شود، بلکه خرد ادراکی مردمی (خرد اجتماعی و توافقی) می تواند در پیوند با آن قرار گیرد و فعالانه در جهت بازنگری رابطه انسان و طبیعت به کار آید و با کنش معطوف به ریسک در مسیر آشکارسازی و کنترل هر چه بیشتر عدم قطعیت های ناشناخته و ناخواسته، پیش از وقوع فجایع محیطی و زیست محیطی گام بر دارد (پک، ۱۹۹۶).

در جامعه ریسک، مفهوم ریسک برساختی (عدم قطعیت های ناشناخته و ناپیدای حاصل از فعالیت های صنعتی انسان) با مفهوم مدرن سازی بازاندیشانه (مدرن سازی مدرنیزاسیون) گره خورده است. به طوری که «پک» ریسک را روشی نظام مند برای رویارویی با خطرات و ناامنی هایی تعریف می کند که به وسیله خود مدرن سازی تولید و رایج شده است، ریسک های پنهانی که می توانند خصلت بازاندیشانه پیدا کنند به طوری که از خصلت بازتابش انفعالی، رها شوند و پیش از وقوع به ادراک و بازتابش فعال درآیند و با کنش مسئولانه دولت ها و شهروندان مهار و کنترل شوند (پک، ۱۳۹۷: ۴۸). از این منظر، ریسک، صرفاً به معنای خطر و عدم قطعیت های شناخته شده نیست که احتمال وقوع و شدت آسیب هایش قابل برآورد و کنترل باشد، بلکه بسیاری از ریسک ها، وارد محدوده عدم قطعیت های ناشناخته، ناخواسته و پنهان شده اند و از دست یقین محاسباتی و عدد و رقم می گریزند و به صورت فجایع ناگهانی محیطی و زیست محیطی آشکار می شوند، اما با بازاندیشی در برداشت ها و بازنگری در کنش ها و تغییر در سبک زندگی می توان ریسک های برساختی را شناخت و به کنترل و کاهش در آورد. با این حال هر چقدر هم سعی شود ریسک ها به حیطه آگاهی بازاندیشانه^۵ درآیند، اما برخی از آن ها از چنگ آگاهی می گریزند و ممکن است ناشناخته باقی بمانند و به فجایع فراگیر مبدل شوند (پک، ۱۳۹۷: ۵۰).

خطرهای محیطی در نظریه تقابل خطر

ریسک های محیطی به آن دسته از خطرات بالقوه و احتمالی اطلاق می شود، که در صورت وقوع یا استمرار، آسیب زننده و یا فاجعه بار هستند و قدرت آسیب های زندگی و پیامدهای نامطلوب بر انسان ها در اشکال فردی و جمعی خواهند داشت. اغلب این ریسک ها انسان ساخت هستند و در نتیجه دخالت نابجای آدمیان بر طبیعت، دست کاری های بیولوژیک و فعالیت های صنعتی و یا فرآوری های شیمیایی و در اثر رابطه ناپایدار جوامع انسانی با طبیعت و محیط زیست تولید شده اند. تداوم یا وقوع

۱. Computational Risks

۲. Kemshall

۳. Risks Generated

۴. Reflexive Modernity

۵. Reflexive Consciousness

این خطرات می‌توانند بر اندام‌ها و خُرده سیستم‌های حیاتی انسان‌ها و گیاهان و جانوران و محیط زیستی که در آن به سر می‌برند، صدمات جبران‌ناپذیر وارد کرده و منجر به تلفات جانی و خسارات مالی و فجایع غیر قابل جبران شوند. نظریه تقابل خطر که از یک سو ممکن است از قوه محاسبه فنی بگریزند و مشمول عدم قطعیت‌های ناشناخته و ناخواسته شوند و پنهان بمانند، به طوری که قادر به تشخیص آن‌ها نبوده و یا نتوان در برابرشان کنش فعال و مؤثری انجام داد و تنها هنگام حدوث و پیامدهای زیان بار آشکار شوند. از سوی دیگر ممکن است پیش از استمرار و یا قبل از وقوع و تبعات ناگوارشان به انتظار و ادراک و فهم و گفت‌وگو اجتماعی در آیند و مردم با خرد مردمی و عقلانیت اجتماعی بتوانند با اقدامات موثر و همکاری با خرد علمی و عقل فنی از پیش آمدنشان جلوگیری کنند و یا عواقبشان را تحت کنترل و مهار و کاهش درآورند (رزاقی، ۱۳۹۹: ۴۲).

البته ریسک‌های محیطی دیگری نظیر زلزله هستند که از بر ساخت رابطه جامعه-طبیعت ایجاد نشده‌اند. زلزله پدیده‌ای کاملاً طبیعی به شمار می‌آید و انسان‌ها در تولید آن‌ها هیچ نقشی ندارند و وقوعش هنوز به پیش‌بینی کامل در نیامده است، اما با شناسایی گسل‌ها و فعالیت‌های زمین‌شناختی می‌توان پی به احتمال حادث شدن و قدرت تخریبش برد و با ایجاد سازه‌های مقاوم و یا با کسب آگاهی و ادراک و انتظار فعال از احتمال وقوعش، مهارت‌های لازم را در مواجهه با آن بدست آورد و با اقدام مؤثر تلفات و خسارات را به حداقل ممکن رساند (همان: ۴۲).

برخی از صاحب‌نظران در تعریف ریسک‌های محیطی، هم خطرات طبیعی و هم خطرات ناشی از فعالیت‌های انسان بر طبیعت را لحاظ می‌کنند. ریتیچینی رات^۱ (۲۰۱۳) به احتمال فاجعه‌هایی مانند سیل، زلزله، و تغییرات آب و هوایی و آلودگی‌ها، ریسک‌هایی محیطی اطلاق می‌کند که بشرساخته و یا طبیعی هستند. پیدچن^۲ و همکاران (۱۹۹۲) ادراک ریسک^۳ را به منزله اعتقادات، نگرش‌ها، قضاوت‌ها و احساسات مردم هم‌چنین تمایلات گسترده‌تر فرهنگی و اجتماعی که نسبت به منافعیشان اتخاذ می‌شوند، تعریف کرده‌اند (عسگری زاده و همکاران، ۱۳۹۴). در یک تعریف دیگر ادراک ریسک باور، قضاوت و ارزیابی ذهنی (چه منطقی یا غیر منطقی) در مورد شانس یا احتمال یک خطر در آینده یا در مورد میزان آن، زمان وقوع خطر یا عواقب اثرات آن توسط یک فرد، گروه یا جامعه است (ریسر^۴ و همکاران، ۲۰۱۲).

کوران^۵ (۲۰۱۳) تعریف ریسک را از منظر «یک» نقل کرده است. از نظر یک، جامعه ریسک جامعه فاجعه زده نیست. ریسک فقط آسیب نیست، بلکه آسیب یا آسیب فاجعه باری است که انتظارش را در آینده می‌کشیم. ریسک انتظار و تصور آسیب و فاجعه‌ای در آینده از سوی خرد جمعی و هم‌چنین کنش و اقدام فعال و مسئولانه نسبت به انتظار وقوع آسیب یا فاجعه و نحوه آسیب‌گریزی و فاجعه‌گریزی کنش‌گران اجتماعی است. بنابراین تعریف ریسک از ارزیابی فنی خطرات احتمالی و پیش‌بینی محاسباتی و برآوردهای رقمی پیامدهای منفی و کنترل تکنیکی آن به سوی تصور آسیب و فاجعه‌ای احتمالی در آینده توسط خرد اجتماعی و چگونگی کنش فعال و مسئولانه کنشگران اجتماعی در برابر آن تغییر یافته است (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۶). در این تغییر رویکرد، ریسک یک سازه مفهومی مشتمل بر قضاوت و ارزیابی ذهنی و نحوه مقابله عملی مردم و گروه‌های اجتماعی از موضوعات خطر و خطرات احتمالی است که تحت تأثیر عوامل و سازوکارهای روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد.

معیارهای اجتماعی بودن خطر

خطر در صورتی اجتماعی است که در وهله اول، بر زندگی اقتصادی بخش اعظم افراد اجتماع، تأثیر عمیقی بگذارد و این تأثیرگذاری چنان باشد که ضرورت تقبل جمعی جهت پوشش‌دادن آن احساس شود:

الف. تأثیر اقتصادی

لازم است حوادثی که خطر اجتماعی خوانده می‌شود، اثری مشترک بر وضعیت اقتصادی افراد بگذارد (دایپروکس، ۲۰۱۵: ۶). منظور از تأثیر خطر اجتماعی بر وضعیت اقتصادی آن است که خطر اجتماعی توانایی به‌دست‌آوردن درآمد را کم کند یا این

1. Rittichainuwat

2. Pidgen

3. Risk Perception

4. Rser

5. Curran

توانایی را به طور کلی از فرد بگیرد یا آنکه با تحمیل هزینه بر فرد، امرار معاش را برای او دشوار سازد. در صورتی که کاهش درآمد شخص با افزایش هزینه‌ها همراه شود، مشکلات اقتصادی فرد، دوچندان می‌شود (چاوچارد، ۲۰۱۶: ۵). این معیار آن‌چنان با اهمیت است که یکی از نویسندگان^۱، معتقد به پیوند خطر اجتماعی به خسارت اقتصادی حاصل شده است، به گونه‌ای که می‌توان آن را «خطر اقتصادی» تلقی کرد (آلفانداری^۲، ۲۰۱۹: ۹). این در حالی است که نویسنده‌ای دیگر معتقد است امکان ابراز خطرات اجتماعی به صورت واحد پولی، به این معنا پنداشته شده که خطرات اجتماعی، خاص خطرهای اقتصادی هستند (مرادزاده، ۱۳۹۰: ۱۷۲).

می‌توان خطرات اجتماعی را بر اساس نتایج آن، در دو دسته قرار داد: دسته‌ای که مربوط به کسب درآمد می‌شود؛ این خطرات یا توانایی کارکردن افراد را کاهش می‌دهد مانند بیماری، پیری، از کار افتادگی، یا بدون آسیب‌زدن به توانایی انجام کار، مانعی بر سر اعمال این توانایی ایجاد می‌کند مانند بیکاری. دسته دیگر از خطرات اجتماعی، با به کارگیری درآمدها ارتباط دارد؛ به این صورت که تحمیل هزینه می‌کند و سطح زندگی افراد را پایین می‌آورد، مانند بیماری متضمن هزینه‌های پزشکی و پیراپزشکی یا مشکل مسکن و هزینه‌های مربوط به خانواده. اگرچه نمی‌توان به طور مطلق، قائل به وجود مرزی میان موارد مذکور شد، مثلاً هرچند از کار افتادگی منجر به پایین آمدن توانایی کسب درآمد می‌شود، ممکن است هزینه‌هایی نیز بر فرد تحمیل کند.

در نظام تأمین اجتماعی ایران نیز به منظور ارائه حمایت‌های اجتماعی، همواره پیامدهای اقتصادی لحاظ شده است. در ماده ۱ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ایران، مصوب سال ۱۳۸۳، حمایت از همه افراد کشور در برابر رویدادهای اقتصادی، از جمله اهداف برقراری تأمین اجتماعی خوانده شده است. در قانون تأمین اجتماعی نیز هرچند به طور مستقیم به مسئله آثار اقتصادی اشاره نشده، کلیه تمهیدات به منظور رفع آثار منفی اقتصادی پیش‌بینی شده است.

ب. تقبل جمعی

علاوه بر عنصر پیامد که در شناسایی خطرات اجتماعی با توجه به نظریه تقابل خطر نقش مهمی دارد، شیوه مدیریت خطر نیز ضابطه‌ای از ویژگی اجتماعی آن را نشان می‌دهد. مفهوم خطر اجتماعی که به واسطه حقوق تأمین اجتماعی از مفهوم خطر در عرصه بیمه متمایز شده است، ویژگی جمعی تقبل را بیان می‌کند (آلفانداری^۳، ۲۰۱۹: ۱۴). خطر اجتماعی، خطری است که نهادی جمعی با نظر به عدم توانایی فرد در مواجهه مستقل با واقعه، آن را متقبل می‌شود (میلت، ۲۰۱۸: ۳۵۴).

مدیریت خطرات اجتماعی از طریق سازمان‌های تأمین اجتماعی و بر پایه نظریه همبستگی است که در آن برخلاف مدیریت خطرات توسط بیمه‌های خصوصی، مسئله سوددهی و منفعت مطرح نیست. خطری که اجتماعی شده، با اتکا به توزیع آثارش مطابق با «اصل همبستگی»، آرمان عدالت توزیعی را محقق می‌کند و مهار نتایج حوادث را بنابر اصل انصاف، مدنظر قرار می‌دهد (اوارد^۳، ۲۰۹: ۳۵۶). در عرصه تأمین اجتماعی، فن بیمه که از جمعی کردن برخی حوادث، نشأت گرفته است، به قشر وسیعی از جامعه منتقل می‌شود و از طریق نظریه همبستگی، تبدیل به «شیوه‌ای سودمند برای جمعی کردن مضرات» می‌شود (همان: ۳۷۱). بنابراین خطری که توسط شرکت بیمه خصوصی تقبل می‌یابد و روش بیمه‌ای جهت مدیریت آن به کار گرفته می‌شود، اجتماعی نیست، بلکه خطر در صورتی اجتماعی است که خارج از «بازار رقابتی» قرار گیرد (میلت، ۲۰۱۸: ۳۵۵).

دولت‌ها به عنوان نماینده افراد اجتماع، در جهت تقبل جمعی آثار خطرات اجتماعی عمل می‌کنند. مسئله مدیریت خطرات اجتماعی توسط دولت‌ها، لزوماً به معنای نقش این نهاد در تأمین منابع مالی حمایت‌های اجتماعی و پرداخت حق بیمه نیست، بلکه صرف قراردادن تکلیف نظارت و مدیریت بر دوش نهادهای دولتی، جهت تحقق این شرط کافی است.

مصادیق خطرات اجتماعی در نظریه تقابل خطر

دغدغه هریک از نظام‌های تأمین اجتماعی، حمایت از افراد تحت شمول خود به بهترین وجه ممکن است. میزان حمایت‌ها و گستردگی افراد تحت حمایت، به درجه رشد تأمین اجتماعی در کشورها بستگی دارد. بر عهده دولت‌هاست که برای تعیین میزان مسئولیت خود در برابر مردم سرزمین خویش، برخی از خطرات را به عنوان خطری اجتماعی اعلام کنند زیرا با اجتماعی اعلام شدن

¹ .Jean-Pierre Chauchard .

² . Alfandari

³ .Ewald

مجموعه‌ای از خطرات، دولت خود را به‌منزله یکی از مسئولین در حمایت از افراد گرفتار خطر معرفی می‌کند. مقاله‌نامه شماره ۱۰۲ سازمان بین‌المللی کار، سندی است که جهت اجتماعی‌محسوب کردن شماری از خطرات و بیان مصادیقی از خطرات اجتماعی، به دولت‌های عضو، کمک شایانی کرده است. استانداردهای مطرح‌شده در این سند بین‌المللی، با عنوان مراقبت‌های پزشکی، کمک‌هزینه ایام بیماری، کمک‌هزینه بیکاری، کمک‌هزینه سالمندی، کمک‌هزینه سوانح ناشی از کار، کمک‌هزینه عائله‌مندی، کمک‌هزینه دوران بارداری، کمک‌هزینه ازکارافتادگی و کمک‌هزینه بازماندگان، دیدگاهی در شمارش و دسته‌بندی خطرات به دست می‌دهد. به‌منظور بررسی هرچه منظم‌تر مصادیق خطرات اجتماعی، با تکیه بر استانداردهای مطرح‌شده در این مقاله‌نامه، می‌توان آن‌ها را در سه دسته جای داد: دسته‌ای از این خطرات به مناسبت انجام فعالیت‌های شغلی حادث می‌شود و سلامت جسمی و روحی قربانی را نشانه می‌گیرد. این خطرات عبارت‌اند از: حوادث کار و بیماری‌های حرفه‌ای و خطر بیکاری، دسته دیگری از این خطرات که از طبیعت حیات و جریان عادی زندگی نشأت می‌گیرد و بر سلامت جسم و جان تأثیر می‌گذارد، خطرات جسمانی است که موارد بازنشستگی، ازکارافتادگی، بیماری و فوت را شامل می‌شود. دسته آخر، خطراتی است که از دل تشکیل خانواده و گستراندن آن برمی‌آید و بر سلامت اقتصادی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. این دسته از خطرات، عائله‌مندی و بارداری را در خود جای داده است.

بحث و نتیجه‌گیری

از گذشته‌های دور تا به امروز، زندگی اقشار مختلف اجتماع در معرض تهدیدهای متعددی قرار گرفته است که این امر موجب شده است حداقل امنیت‌خاطری که برای زیستن ضروری است، از افراد سلب شود. اگرچه صنعتی‌شدن جوامع، دستاوردهای مطلوب و متعددی به ارمغان آورده است اما در کنار این دستاوردها، آورده‌ای دیگر خودنمایی می‌کند که بیش از هر چیز دامن‌گیر همان‌هایی می‌شود که در تولید و ترویج صنایع، سهیم هستند. در واقع، بهای دست‌یافتن به تولیدات بیشتر و امکانات گسترده‌تر، ازدست‌رفتن حیات یا سلامت عده‌ای از افراد جامعه است. بنابراین لازم می‌آید بهره‌مندان از این امکانات و تولیدات در جهت مقابله با ناامنی‌ها برآیند. جهت برشمردن خطرات اجتماعی در هریک از نظام‌های تأمین اجتماعی، لازم است نظام تأمین اجتماعی آن کشور بررسی شود؛ بدین معنا که پیش‌بینی مقرراتی در نظام تأمین اجتماعی و تخصیص نهادهایی به‌منظور حمایت از افراد گرفتار یک خطر مشخص، حکایت از اجتماعی‌بودن آن خطر دارد. بنابراین در شمارش خطرات اجتماعی باید هسته‌ها را مدنظر قرار داد نه بایدها را؛ به این معنا که در بسیاری از موارد، خطراتی در جوامع احساس می‌شود که با اثرگذاری منفی بر اقتصاد مردم، سطح معاش را به پایین‌ترین میزان می‌کشاند اما از آنجاکه دولت، خود را به‌عنوان نهاد مسئول در قبال مدیریت آن خطر معرفی نکرده است، آن خطر را نباید اجتماعی به حساب آورد.

در نتیجه اگر خطر از خطرات معمول باشد، خطری متقابل است، همچنین اگر خطر، قابل تقابل باشد نوعی خطر معمولی محسوب می‌شود. اظهارات حقوقدانان در شرح نظریه تقابل خطر نشان می‌دهد که به مبنای مفهوم خطرات معمول توجه داشته اند: با اعمال نظریه تقابل خطر، مسئولیت ناشی از تقصیر در مواردی اعمال می‌شود که اعضای گروه یا جامعه همه به یک اندازه برای هم خطر متقابل ایجاد کنند. در چنین شرایطی که خطر اعضا برای هم، متقابل است، خطر ناشی از تقصیر یکی از اعضا خطری غیرمتقابل محسوب می‌شود و مسئولیت مدنی مقصر را در پی دارد. زیرا خطر ناشی از تقصیر فراتر از سطح معمول و متعارف در یک گروه یا جامعه است و مورد پذیرش ضمنی قرار نگرفته، اما خطرهای معمولی و متقابل به طور ضمنی مورد پذیرش اعضاست.

با توجه به مفهوم خطرات معمول زندگی مشخص نمود. همان‌طور که قبلاً بیان شد با توجه به پذیرش مفهوم ریسک‌های معمول، در اجتماع به صورت ضمنی و با فرآیندی مشابه قرارداد اجتماعی؛ رضایت آحاد جامعه در قبول آن مفروض است. با عنایت به این نکته، اگر زبانی ناشی از این خطرات محسوب شود، اراده جامعه جبران آن را با برقراری نظام مسئولیت مدنی روا نمی‌داند خواه زیان‌دیده و زیان‌زننده واحد باشند یا نه. از این رو پاسخ‌اپس‌تین داده می‌شود که چرا در فرضی که زیان‌زننده و زیان‌دیده یکی باشند زیان بر زیان‌زننده تحمیل می‌شود اما اگر دو شخص مختلف باشند گاهی زیان‌زننده منتفع می‌شود و ملزم به جبران زیان نیست. می‌توان دلیل امر را این دانست که در چنین مواردی زیان وارد شده، خطر معمول زندگی

است که عقلاً تحمل آن را جایز می دانند و الزام به جبران آن را ناروا. خود اشخاص نیز با رضایت ضمنی چنین چیزی را پذیرفته اند، بنابراین بر هرکس چنین زیانی وارد شود لزومی به جبران آن نخواهد بود، خواه عنوان زیاننده و زیان زنده در اشخاص متعدد جمع شود یا شخص واحد.

با توجه به بررسی های به عمل آمده به این نتیجه دست یافتیم که با توجه به نظریه تقابل خطر، مسئولیت مدنی ناشی از خسارات مبتنی بر فعل ارادی و غیر اضطراری می باشد. همچنین بر مبنای نظریه تقابل خطر، در جبران خساراتی که ممکن است به اشخاص وارد گردد، مسئولیت عامل زیان مبتنی بر مسئولیت محض یا مبتنی بر اماره تقصیر است و تابع قواعد عمومی نیست. که برای توجیه این مورد به نظریه تقابل خطر استناد شد که از لحاظ فلسفی و نظری مبتنی بر قرارداد اجتماعی، برابری مدنی و عدالت و انصاف بوده و بر مبنای زندگی اجتماعی امروز بشر قابل توجیه می نماید. بر مبنای این نظریه، اگر ضرری به اشخاص وارد گردد عادلانه ترین روش برای دادگاه این است که به شدت و بزرگی و یا کوچکی تقصیر عامل نگاه کند و ببیند آیا طرفین هنگام بروز خطر و زیان از برابری و امکانات و آزادی یکسان برخوردار بوده اند (تقابل خطرات معمول وجود داشته) یا خیر؟ مثل استفاده هر دو طرف از وسیله نقلیه و تصادمات ناشی از آن و بروز زیان. چون استفاده از اینگونه وسایل در زندگی امروز اجتناب ناپذیر بوده و خطرات احتمالی معمول ناشی از استفاده متعارف از این وسایل را شهروندان پذیرفته اند. لذا در صورت تصادم دو وسیله، امکانات و آزادی و شرایط دو طرف برابر بوده اگر یکی از دو طرف با سرعت زیاد یا عدول از مقررات باعث تصادم ضرر طرف مقابل بشود این خطا بر مبنای نظریه تقصیر توصیف میشود و مقصر با اثبات تقصیرش ملزم به جبران خسارت است اما اگر دو طرف هنگام حادثه موجب زیان از امکانات و آزادی برابر برخوردار نبوده باشند مانند زمانی که یک وسیله نقلیه با عابر پیاده برخورد می کند و باعث ایجاد خطر و زیان می شود چون دو شخص طرف دعوی از ابتدا دارای شرایط برابر نبوده اند و هرگز تقابل خطرات وجود نداشته چرا که عابر هرگز نمی تواند معادل خطرات احتمالی را که وسیله نقلیه برای او ایجاد میکند برای وسیله در حال حرکت و خطرناک ایجاد کند مسئولیت عامل زیان بر مبنای نظریه خطر و از نوع مسئولیت بدون تقصیر و محض خواهد بود چون برای ایجاد عدالت قاضی بایستی بر مبنای نظریه تقابل این عدم تقابل و تعادل خطرات و نابرابری اولیه را در رسیدگی لحاظ نماید لذا بدلیل عدم تقابل خطرات احتمالی و برای اجرای عدالت بر مبنای نظریه تقابل خطر، مسئولیت عامل زیان بایستی بر مبنای خطر و مسئولیت محض باشد و نه بر مبنای تقصیر لذا نظریه تقابل خطر نظریه ای منطبق با عدالت و برابری اجتماعی است.

منابع

- بریکول، گلینیس. ام (۱۳۹۳). روان‌شناسی ریسک، ترجمه پروانه فخریم قاسم زاده و مهتاب صالحی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده بیمه.
- یک، اولریش (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی کار (دنیای شگفت‌انگیز کار در مدرنیته باز اندیشانه)، ترجمه سعید صادقی جقه و آیت نباتی حصار، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- یک، اولریش (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی خطر به سوی مدرنیته ای نوین، ترجمه رضا فاضل و مهدی فرهنگ‌نژاد، چاپ اول، تهران: نشر ثالث.
- توسلی، غلام عباس و وداد هیر، ابوعلی (۱۳۸۷). مناسبات دانش و سیاست در یک جامعه مخاطره‌آمیز: تأملی جامعه‌شناختی بر شکل‌گیری جوامع مخاطره‌آمیز نظارتی در عصر حاضر، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره دهم، شماره ۴، زمستان، ۴۲-۲۲.
- حکمت‌نیا، محمود (۱۳۸۶). مسئولیت مدنی در فقه، جلد دوم، چاپ اول، قم: پژوهشگاه علم و فرهنگ اسلامی.
- دنی، دیوید (۱۳۹۳). ریسک و جامعه، ترجمه صالح کاشانی محمدی، چاپ اول، تهران: پژوهشکده بیمه.
- صفائی، حسین؛ رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- عسگری زاده، زهرا و همکاران (۱۳۹۶). بررسی نقش ادراک ریسک مردم بر رفتارهای کاهش ریسک زلزله در شهر تهران، دو فصلنامه علمی و پژوهشی مدیریت بحران، شماره ۱۲، ۶۸-۵۷.
- قسمتی تبریزی، علی. (۱۳۸۹). «اجتماعی کردن خطرات»، مجله نامه مفید، شماره ۸۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). وقایع حقوقی، جلد دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۴). قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات بهنشر.
- کمشال، هیزل (۱۳۹۱). جامعه‌شناسی ریسک (ریسک، سیاست اجتماعی و رفاه)، ترجمه مهرداد نوابخش و همکاران، تهران: بهمن آرا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۵). جهان‌لغزنده است، ترجمه علی عطاران، چاپ اول، تهران: بنگاه ترجمه و چاپ و نشر پارسه.
- مرادزاده، حسن (۱۳۹۰). حقوق و تکالیف اشخاص دارای معلولیت در نظام مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
- Alfandari, Elie, (2019), "L'évolution de la notion de risque social, Les rapports de l'économique et du social", *Revue Internationale de Droit Economique, tome 11, janvier 1997*.
- Beck, U. (1992) *Risk Society*, London: Sage.
- Beck, U. (1996) *The Reinvention of Politics: Rethinking Modernity in the Global Social Order*: Cambridge : Polity Press.
- Beck, U., Giddens, A. and Lash, S. (1994) *Reflexive Modernization*: Cambridge: Polity.
- Chauchard, Jean-Pierre, (2016), "De la définition du risque social", *Travail et Protection Sociale, no. 6, Juin 2016*.
- Dupeyroux, Jean Jacques, (2015), *Droit de la Sécurité sociale*, Dalloz.
- Ewald, François, (2019), *L'État providence*, Grasset.
- Giddens, Antony (1999) *Runway World: How Globalisation Is Reshaping Our Lives*, London Profile Books.
- Millet, Florence, (2018), "La notion de risque et ses fonctions en droit privé", Thèse de doctorat Mention Droit, Université de Paris 10-Nanterre U.F.R. de Sciences Juridiques et Administratives.
- Rittichaiuwat, B. N. (2013) *Tourism and tourism suppliers, perceptions toward crisis management on tsunami*, *Tourism Management*, 34, 121-112.

A Comparative study of Risk Confrontation in Law and Sociology in Iran

Somayeh Tafghodi Zare¹
Mohammad Sadeghi *²
Alireza Mazlum Rahni³

Abstract

From the beginning of creation and creation of human communities until today, many dangers have threatened people's lives. Some of these risks leave such an economic impact and bring the level of livelihood to its lowest level that causes governments to feel responsible towards the victims and organize their efforts to manage these risks. The declaration of such responsibility by governments and the creation of social insurance cause such risks to take on a social color. Although examples of social risks, which can be classified into three categories of risks arising from professional life, physical risks and risks arising from family formation, have been identified in many legal systems, but the concept of social risk is still neglected. Acceptance of the opposite of risk raises the idea that when a person implicitly or explicitly accepts the risk of harm caused by another party, he cannot demand damages from the causer of the harm due to the harm caused. Countering the risk is a one-sided legal act that affects the ability to assign fault to the defendant, and is an absolver of fault or an obstacle to guarantee. In Iranian law, the theory of conflict of risk is not accepted, but this theory is widely used in society.

Key words: Risk Confrontation, Rights, Sociology, Social Security

¹ Phd student, Department of private law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran. 2 3.

² Assistant professor, Department of private law, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran, Assistant professor, Department of law, University of Hormozgan, Bandar Abass, Iran (Corrsponding Author). mrs4272@yahoo.com

³ Assistant professor, Department of private law, Qeshm Branch, Islamic azad university, Qeshm, Iran, Assistant professor, Department of law, Faculty of Humanities, Shahr-e-Qods Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran